

مرکز زمان

و اصل الطائیف برین باب از فقر حقیر بی بضاعت که با قیل مجلس اعلیٰ غایت
و ناقص کلام اعلیٰ را بحث تواند بود از قانون عقل منبج ادب و درینما بدید
سلیلا از منطق الطیر موصوف و القمار قانون حکمت نمودن خود را عرفه
تو عقلا و تو بیخ و کیمیا ساختن باشد و اگر فی المنزل بنا بر استحضار و استقامت
دقیقه از وقایع رغبت فرمایند ملاحظه سیرت کردید حضرت خاقانی صلی
الزمانی اسکندر ثانی کانی است جری شایسته تکلف و تعسف ناقضه
کتاب ایجاد و مکتوب نموده صفحہ الواجه قابلیت انسانی را بر قوم کمالات
نفسانی موشع بیسازد و مجموعا کیمیا معیت نوادر لطایف الطایف
و نظریات عجایب تالیفات نامتناهی با ذات قدسی صفات کلی
الحکایت در شمار اکابر کاسکار و قیصره نامدار معدود تواند شد
از قلم صنع و اصطناع و خاتم ایجاد و ابداع در وجود نیامده و تاخیر
خورشید مسند نشین چهار باب است فلک چهارم است هر چند بسیار
اجرام سپید با چندین چراغ گرد جهان دیده اند جهان را بری باغ کون
و اهرت ندیده اند و صیت جلالت و عظمت صاحبقرانی باین فز
شکوهر نشینده اند تعالی این دهر ملک خلافت سعیدین سپهر معانی

و راخت را که برین انظار غایت و فیض انوار رحمت ایشان نموده
روشنی بسط جهان کلشن گشته در اوج اقبال و شرف اجلال
از حنیض و بال و مبوط زوال مصون دارد و نمود سعادت و جنون
دولت ایشان از جوی سلسله زمان توانی با وایل متصل و مفرق
بحق الحق و کلماته و العارفین بذات و صفاته **لمع نجم** در ادب
خدمت و رسوم مقرران سلاطین و ارباب دولت طریق عظام
مردم در معاشرت با سلاطین و حکام المکمل با ایشان محبت
و زهد و زبان ثنا و مدحت گویند و بارکان بر طریق طاعت و خدمت
پونید و در اشتغال او امر و نواهی چون خلاف امر الهی نباشد بقدر
مقدورت سعی نمایند و حقوق ایشان را از خراج و غیره بر وجه ضار
ادا نمایند و از معنی اصلا انقباض بخاطر راه ندهند و در تعظیم
و تجلیل ایشان نظام آو باطلاب هیچ دقیقاً تمایل ننمایند و در وقت
ضرورت جان و مال فدای ایشان گسندند و حفظ دین و دنیا و اهل
و ولد بوجود عالی ایشان مربوط است و کسانی که در عدا و اقدام
ایشان باشند باید که بنحو بزیادتی قربت تجار نمایند چو محبت

از